



## بررسی اوضاع ایران و عراق

# بعد از عملیات محرم ...

امروز مادر جنگ بهترین وضع را داریم، و در آینده

با لطف خداوند و در صورتی که صلاحیت جذب امداد

غیبی الهی داشته باشیم، بهتر خواهد شد.

"اینکه که ثبوت به گفتاری جدید میرسد تحولات جنگی مرحله تازه‌ای را آغاز میکنند این وضع جدیدی که عملیات مسلم بن عقیل و عملیات محرم بوجود آوردند، یک مرحله تازه‌ای است که ایجاب می‌کند تحولاتی نظامی، تبلیغاتی و اقتصادی جنگ را بررسی کنیم."

### تحول نظامی

عراق، پس از شکست در عملیات "فتح-المبین" دست به یک فریب کاری زد و آن اینکه فرار خود را عقب نشینی نامید، و از آن پس، اسم عقب نشینی را، عقب نشینی



حجة الاسلام والمسلمین  
هاشمی رفسنجانی

از خاک ایران و رفتن به سرز گذاشتند در حالی که هر دو سخن دروغ بود و این دروغها هم جنبه نظامی داشت و هم جنبه تبلیغاتی. با این سخن، خواست خودش را در دنیا صحنه طلب معرفی کند و آن چهره زشتی که به خاطر تجاوز به ایران پیدا کرده بود، آن را جبران کند. از لحاظ نظامی هم چون دید، نمی‌تواند در خاک ایران دفاع کند و نیروهایش با کشته و یا اسیر میشوند و امکاناتش به غنیمت خواهد رفت، لذا پناه آورد به نقاطی که برایش قابل دفاع بود.

نظامیان عراقی دقیقاً حساب کردند و طرح ریزی نمودند و آنگاه نقاط حساس استراتژیکی بی را که در غرب و مرزهای غربی ما بود، نگهداشتند و سنگر بندی کردند و مقداری از نیروهایشان که دردشت پراکنده بود را منتقل کردند به جاهائی که لازم داشتند و مقداری را هم در این نقاط قابل دفاع، متمرکز کردند. و این یکی از آرزوهای دیرینه یعنی ما بوده که ارتفاعات غرب ایران را در کنترل خود داشته باشند، و تلاششان در گذشته هم - در رابطه با رژیم شاه - همین بود که این ارتفاعات را بدست بیاورند، و در قرارداد سال ۷۵ الجزایر هم باین اصل تلاششان این بوده باشد. آنها در شط العرب یک امتیاز داده بودند و لسی در غرب امتیازات زیادی گرفته بودند که اکنون در اشغال آنهاست و از آن امتیازات سابق هم جلوتر رفتند و مقدار زیادی از ارتفاعات ما را گرفتند. مثلاً، حتی شهر "نفت شهر" را هم، که جنبه اقتصادی داشت و برای آنها قابل حفظ بود، آن را هم گرفته بودند یعنی کاملاً نشان میدهد که فرار بوده است به جایی قابل دفاع. آنها جایی را انتخاب کردند که اگر مذاکرات صلح هم پیش بیاید،

نگذاشتند که پس از انقلاب، ما خودمان را برسانیم.

۲- در فاصله جنگ، چون این منطقه در اختیار آنها بود، هر چه توانستند بر امکانات خود افزودند تا بیشترین استفاده را از حوضچه‌ها بکنند.

و در هر صورت، گرفتن این نقطه‌ها برای عراق، بسیار مشکل و دردناک است.

### اهمیت عملیات مسلم بن عقیل

با عملیات مسلم بن عقیل، که مشرف بر شهر "مندلی" عراق شدیم، فاصله ما تا بغداد از صد کیلومتر هم کمتر شد. البته اگر از راه جاده بخوایم برویم ممکن است ۱۰۵ کیلومتر باشد، زیرا اول باید به طرف بعقوبه برویم و از آنجا به بغداد، و لسی ارتش که اینطور نبود! اگر روزی بنامد که با قدرت نظامی برویم، ارتش، در یک

متر پیشروی کنیم، بغداد توان مقاومت را از دست خواهد داد. در عمل هم نشان دادیم که اگر بنا داشته باشیم به هر سو جلو روی کنیم، با مقداری فداکاری و پشتکار می‌توانیم. عراقیها هم در اینگونه موارد زود تسلیم میشوند بهر حال، اینجا یک نقطه خطری برای عراق است.

### اهمیت عملیات محرم

نقطه دوم همین جایی است که در عملیات محرم گرفتیم که از ۱۰ تا ۳۰ کیلومتر متر است. البته در بعضی از قسمتها فرق میکند. و اگر ما عراقیها را از شرق دجله محروم کنیم - که خیلی آسان است - غرب دجله هم برای عراق قابل ماندن نیست. چون از همین نقطه تا پائین، اکثرا بانلاق و بیابان و کویر است که حتی جاده هم نمیتوانند بکشند. مقدار زیادی از آن طرف

بانیرنگهایی بتوانند آنجا را نگهدارند. بنا براین، در این نقاط، نیروهای نسبتا کمی نگهداشته و بقیه را به جنوب - جایی که ارتفاعات نبود - برده بود که بتواند جلوی نیروهای ما دفاع کند.

کاری که رزمندگان ما کردند بسیار جالب بود. (۱) نخست، قسمت عمده این ارتفاعات را در دو عملیات مسلم بن عقیل و محرم باز پس گرفتند، که عراقیها را از آنها خیلی حساب می‌کردند، حتی جزو آرزوهای آنها بود که به هر قیمت شده ما را در مذاکرات صلح خسته کنند و اینجاها را نگهدارند. قبلا هم جاهای حساس دیگری را از قبیل میمک گرفته بودند که عراق روی آنها خیلی حساب میکرد.

این منطقه‌هایی را که ما باز پس گرفتیم، غیر از جنبه ارزشهای نظامی، ارزشهای اقتصادی هم دارد. زیرا بسیاری از این مناطق، نفت خیز است. حوضچه‌های نسبتا غنی نفتی است که هم ما و هم عراقیها سرمایه‌گذاری کردیم. و یکی از کارهای عراقیها این بوده که در آن جایی که حوضچه مشترک بوده، چاه بیشتر زده بودند. و این هم یکی از خیانت‌های شاه بود که در این مورد، کوتاهی کرد و آنها داشتند نفت حوضچه مشترک را می‌بردند. پس از انقلاب ما شروع کرده بودیم به سرمایه‌گذاری زیادتری، دکلهای بیشتری برده بودیم و چاه می‌زدیم که حق خودمان را بتوانیم برداشت کنیم. عراقیها حمله کردند و دکلهای ما را بردند و در این ۲۷ ماه هر چه توان داشتند از این حوضچه‌ها نفت کشیدند البته در این منطقه‌های مشترک، عراقیها خیلی بیشتر از ما چاه دارند زیرا:

۱- در زمان شاه، از ما جلوتر بودند و

د نیا بدانند، ما جنگ طلب نیستیم، حقوق پایمال شده

خود را می‌خواهیم بگیریم، دشمن هنوز در خاک ما است

و ما هر چند در شهید بدهیم و خسارت بدهیم، از خاک

خودمان دفاع خواهیم کرد.

خط مستقیم حرکت کرده و تا بغداد نود و چند کیلومتر بیشتر فاصله نخواهد داشت. و هرگاه نیروهای ما به ۴۰ کیلومتری بغداد برسند، دیگر بغداد نمی‌تواند مقاومت کند یعنی پایتختی که زیر آتش مستقیم توپ‌ها باشد به هیچ وجه قابل مقاومت نیست، زیرا نه نیروهای اصلی کشور می‌توانند در آنجا بمانند - چون دائما در معرض خطرند - و نه مردم می‌توانند بمانند، و بطور کلی تعادل پایتخت اگر بهم خورد، امکان زندگی در کشور نخواهد بود.

بنا براین ما از مندلی، موقعیت بسیار عظیمی بدستمان آمده که فقط اگر ۵ کیلومتر

برای آنها خطر دارد. زیرا این بخش عراق، یعنی از مرکز تا پائین - جنوب و شرق - از دستشان می‌رود. چون اینجا نفت، امکانات و جاده‌های مهم استراتژیک و اقتصادی ندارند و تحملش برای آنها بسیار مشکل است.

در بصره، نقطه انتهایی خط العرب به طرف خلیج فارس (شمال غربی خلیج فارس) از نقاط حساس و حیاتی آنها است که الآن وضعیت خیلی بد است زیرا تویبهای ما منابع حیاتی آنها را در آنجا می‌تواند بزند، و ناچار است که در مقابل ما نیروی عظیمی با امکانات بسیار بگذارد.

از جبهه مرکزی در جنوب - از استان نینوا و شهرهای العماره و علی غریبی و ... - برای آنها یک نقطه حساس دیگری است که قسمتی از جاده استراتژیک - از شمال به جنوب - در آنجا میگذرد. ( البته قسمت دیگری هم از آن طرف دارند به اضافه راه آهن ) در هر حال ، این نقطه هم وضع بدی پیدا کرده زیرا دشتی است وسیع کما در مرتفعات آن مستقر هستیم ، و اگر بخواهند از این دشت جلوی ما را بگیرند ، میبایست نیروی زیادی در سرتاسر این منطقه پخش کنند و چندین لشکر مجهز در دشت مندلی و دشت العماره و علی غریبی مستقر کنند که برای آنها مقدور نخواهد بود .

شمال جبهه وضع بدتری دارد ، زیرا آنجا هم تحت فشار است و نمیتوانند از این نقطه هم غافل باشند .

بنا بر این ، چهار جبهه بسیار سنگین بر عراق تحمیل شده است :

- ۱ - در اطراف خانقین ۲ - اطراف مندلی ۳ - اطراف علی غریبی و العماره ۴ - در اطراف بصره . و اگر بخواهیم دقیق تر بگوئیم ، پنج جبهه است زیرا در شمال بصره و جنوب شرقی بصره دو جبهه بزرگ وجود دارد . از این رو سرتاسر مرز عراق باید پر از نیرو باشد که نه جمعیت آن کشور چنین استعدادی را دارد و نه امکانات اقتصادی آن . و اکنون عراق به شدت در برابر ما آسیب پذیر است ، زیرا امروز ، دفاع برای ما بسیار آسان تر است . برای اینکه ما اکثرا در مرتفعات هستیم و با سه کاربردن مقدار کمی از فداکاری بزرگی که نیروهای ما دارند ، در هر جا که مناسب تشخیص دادیم ، می توانیم پیروزی بدست آوریم .

### اهمیت عملیات شمالی

جبهه دیگری که برای عراق دشواری بار آورده ، در شمال است ( کردستان و آذربایجان غریبی ) این جاده سردشت -

پیرانشهر را که نیروهای ما باز پس گرفتند بسیار مهم است . این جاده برای عراق از یک جهت ، بسیار مهم بود ، زیرا در دست ضد انقلاب و منافقین و دموکراتها بود ، که امکانات را از عراق می آوردند و مزاحم ما میشدند . اکنون آن راه را گرفتیم و رسیدی در برابر آنها شدیم . از طرفی مرزهای آن قسمت عراق سخت آسیب پذیر است . مخصوصا منطقه کردنشین عراق - که دولت عراق در آنجا هیچ سیطره ای ندارد - و نیروهای ما می توانند از آنجا صدمه بزنند و اگر بخواهند جلو بروند هم خیلی آسان است . مخصوصا هنگامی که شر ضد انقلاب را در کردستان کم کنیم ، که از داخل مزاحمت کم شود .

پس در حقیقت ، عراق در عین حال آسیب پذیر است و ما از هر نقطه می توانیم تهاجمی داشته باشیم . البته حرکت بعدی ما کجا خواهد بود ، این چیزی است که الان نمی توانیم بگوئیم ولی در موقعش خواهیم گفت .

این را هم اضافه کنیم که مرزهای ایران و عراق بطور طبیعی چنین است ، یعنی مرزهای عراق آسیب پذیر است . و کشور عراق بخاطر همین وضعی که در مقابل ما دارد ، این تجاوز را بها کرد که این وضع را بهیم بزند . خوزستان را که می خواستند جدا کنند ساله جداگانه ای است ولی مهمترین انگیزه این بود که می خواستند قسمتهایی از این مرزها را از ما بگیرند که در آینده خیالشان راحت باشد ، و خوشبختانه به هیچ یک از اهدافشان نرسیدند بلکه برای آنها گرفتاری بیش آمد . این تحول نظامی را عملیات مسلم بن عقیل و محرم بوجود آورد .

عملیات رمضان هم از این جهت مهم بود که نیروهای ما ، سد را شکستند و وارد خاک عراق شدند . در آنجا یک دشتی وجود دارد که اگر عراق بخواهد بصره و اطراف بصره را حفظ کند ، باید همینه چند لشکر آماده داشته باشد . و این از ارزشهای عملیات رمضان بود که عراق را ناچار کرد بیش از

این سرمایه گذاری کند . عراق باید در طول مرزهایش - از کردستان گرفته تا خلیج فارس - نیروهای عظیمی بچیند ، چون از هر نقطه ای آسیب پذیر است .

### جنبه تبلیغاتی

عراقیها به دلیل اینکه به ما بدهکارند لذا از مدتی پیش از یکسال است که شعار آتش بس می دهند ، چون آتش بس وقتی که شد ، مذاکره میشود و مذاکره هم ۱۰ سال می تواند ادامه داشته باشد . عراق تصام آرزوهایش این بود که چنین وضعی را بوجود بیاورد و هنوز هم تلاششان همین است . آمریکا هم همین تلاش را میکند . شوروی هم نباید مایل باشد که چنین وضعی پیش بیاید و آن اینکه حالت مذاکره صلح را شروع کنند و ادعای صلح ظلمی کنند ، زیرا آنها که از ما چیزی طلب ندارند ، آنها بودند که ما تجاوز کردند و این همه خسارت وارد آوردند و باید تنبیه شوند . آنها با کمال میل حاضرند از هم اکنون به مرز خود برگردند ولی پس از این بر ما لازم میشود که مذاکرات را ادامه بدهیم و آنها هم همیشه می توانند جلسه را تاخیر بیندازند ، بهانه بگیرند و مطالب جدیدی را مطرح کنند . در آن صورت یک حالتی پیدا می شود که عراق به عنوان سد کشورهای خلیج فارس و به عنوان حامی آنها و جلوگیری کننده از پیشرفت و صدور انقلاب می شود . و همچنین مرکزی می شود برای جلب حمایتهایی از دشمنان انقلاب و امیرالمستبها و ابرقدرتها و ارتجاع ، و از آنها باج میگیرد و در مقابل ما می ایستند . و از آن طرف ما به حقمان نمی رسیم و انقلاب هم به خطر می افتد . عراق هم از دو سال پیش که به ما حمله کرد و مقدار زیادی از خاک ما را اشغال کرد ، فکر می کرد که ما به هیچ وجه توان مقاومت و باز پس گرفتن زمینهای خود را نداریم و ناچاریم با صلح و مذاکرات طولانی و دلت از سر آنها راحت شده و آنها را از خاکمان بیرون کنیم !

ولی - بحمدالله - ما قدرت پیدا کردیم و ملت ما وارد صحنه شد و برای دنیا ثابت شد که ما قدرت دفاع از خودمان و گرفتن حقوقمان را داریم . در اینجا از نظرسر تبلیغاتی ، یک جو دشواری برای ما بوجود آمده ، به این معنی که ما جارهای جز ادامه جنگ نداریم تا حقوق از دست رفته خود را برگردانیم و به هیچ قیمتی نمی توانیم صلح و آتش بس را - تا وقتی که حقوقمان را ندادند - بپذیریم . واگر برنامه مذاکرات بیش آمد ، معنایش این است که - پس از آن همه ضررها و زیانها - در یک حالت سدی برای همیشه بمانیم ، زیرا در آن حالت ، ناچاریم همواره خودمان را قوی نگه داریم ، اسلحه بخریم ، نیروهای را پشت جبهه مستقر کنیم و خلاصه آن امکاناتی که باید نوری راهسازی ، کشاورزی و سدسازی بکار گیریم ، باید بپذیریم پشت جبهه ، و از طرفی چون حالت جنگی وجود دارد ناچاریم با تملق و باج دادن به کشورهای دیگر ، تا اندازه ای حمایت سیاسی و آرای آنها را در صحنه جهانی داشته باشیم ، و همچنین برای خرید اسلحه ، خرید آرای بین المللی و تبلیغات به دیگران باج بدهیم . و از طرفی دیگر ، حقوقمان ضایع شده ، کشورمان را هم باید بازسازی کنیم ، که نمی توانیم . شور و شوق مردم هم از بین میرود ، چون مردم دیگر آن حالت خطری که الان می بینند ، در صورت ستارکه نمی بینند و دنبال زندگی خودشان می روند . . بنا بر این برای ما به هیچ وجه مصلحت نیست ، تا حقوقمان را

مطمئناً بدست نیاوردیم زیر بار ستارکه برویم .  
از این رو می بینیم ، زمینه تبلیغات برای عراق فراهم شده است از این جهت که او می تواند شعار صلح بدهد و ما نمی توانیم ، چون به محض اینکه ما شعار صلح بدهیم ، در محاصره می افتیم و عراق هم شروع میکند به باجگیری از کویت ، قطر ، امارات ، عمان عربستان سعودی ، بحرین و اردن و از بنادر آنها هم استفاده می کند ، مصر و سودان و امثال آنها هم به خاطر فرصتی که برایشان پیش آمده ، که برگردند به دنیای عرب ، کمک می کنند . . شوری و آمریکا و عربها هم از خدا می خواهند چنین زمینهای پیش بیاید تا هر چه بخواهند ، بتوانند تحمل کنند ! پس ما آن را نمی توانیم بپذیریم .

### شعار صلح معلق

ما همیشه باید شعار صلح معلق بدهیم ، یعنی بگوئیم : ما صلح می خواهیم ، سه شرط اینکه حقوق ما را بدهند و این یک واقعیتی است . ولی در هر صورت بونهای دنیا ، کم در اختیار ما است و از طرفی چون ما رسماً حاضر نیستیم ، بدون گرفتن حقوق ، صلح کنیم ، زمینهای است که سبهای کنند و بگویند : اینجا آتش افروزی جنگ افروزند ! و واقعیت را به مردم نرسانند و مظلومیت ما را اعلام نکنند . بنا بر این ، الان حربه تبلیغاتی دست دشمن است ، جو تبلیغات هم دست آنها است و برای ما یک مرحله دشواری از نظر تبلیغاتی

وجود دارد که بتوانیم ، لااقل به مستضعفین دنیا مطلب را برسانیم که گول نخورند و کشور مظلومی را که ۲۷ ماه است گرفتار جنگ می باشد ، متهم نکنند ، و بدانند که ما خسارت می دهیم ، شهید می دهیم و از خاک خودمان دفاع می کنیم . . و هنوز هم در خاک ما هستند ، نفت شهر ما و بعضی مناطق دیگر در دست دشمن است . . ما همینقدر می خواهیم به دنیا بگوئیم :

ما جنگ طلب نیستیم . . حقوق پیمان شده خود را می خواهیم بگیریم .

از طرفی ، اگر ما بخواهیم شعار صلح بدهیم ، مقداری از حماسه و شور روزمندگان کم میشود . حتی صلح معلق هم که می خواهیم بگوئیم ، همین اشکال را داریم . بنا بر این ما در حال حاضر نیاز به یک هجوم تبلیغاتی و سرمایه گذاری روی تبلیغات داریم که از این راه ، محق بودن و مظلوم بودن خودمان را به دنیا ثابت کنیم . فقط نقطه مثبتی که وجود دارد این است که پس از هر پیروزی که بدست می آوریم ، این دولت های ارتجاعی - که معمولاً ترسو هستند - از آن جو تبلیغات ، مقداری فروکش می کنند و در سایه آتش گلوله های بیان و فداکاری رزمندگان عزیزمان ، تا حدودی حق ما در دنیا جا می افتد . پس ما در سایه رکود و آرامش جبهه ها نمی توانیم حرفمان را بزنیم ، بلکه فقط در سایه عملیات می توانیم با دنیا سخن بگوئیم . متأسفانه دنیا ، دنیای زشت و پلیدی است ، اگر دنیا پاک بود و زبانها ، زبانهای حقگوئی بودند ، خیلی آسان می توانستند حرف ما را بفهمند و اعلام کنند . بنا بر این ما الان باید با زبان قدرت خودمان را مطرح کنیم و در سایه آن ، حرفمان را بزنیم که همین گونه هم داریم عمل میکنیم

### جنبه اقتصادی

از لحاظ اقتصادی وضع ما خیلی بهتر از عراق است . همانطور که در بُعد نظامی گفتیم ، ما روز به روز به طرف بهتر شدن و تقویت مواضعمان پیشرفت می کنیم . امروز



در بهترین وضع - پس از جنگ تسالان - هستیم و قطعا فردا بهتر از امروز خواهد بود. البته با لحاظ خداوند و در صورتی که ما صلاحیت جذب امداد غیبی الهی داشته باشیم، این وضع ادامه دارد.

از لحاظ اقتصادی نسبتا وضع ما بهتر از گذشته است:

۱- از لحاظ منابع ارزی وضع ما بهتر شده، آن هم در سایه پیروزیها و در سایه جنگ است نه در سایه کل مسائل، یعنی همین موفقیت‌های نظامی و دفع حملات هوایی عراق و حفظ منابع نفتی و امکانات صدور نفت، همه اینها در سایه پیروزیهای نظامی بدست آمده است.

۲- اعتماد دنیا جذب شده است، که امروز ایران را یک منبع مورد اعتماد می‌دانند، بندرهایمان و راه‌هایمان مورد استفاده قرار می‌گیرد و مجموعا اینها مربوط به جنگ می‌شود.

۳- از لحاظ اسلحه هم وضع ما بهتر است زیرا امروز، ابتکار عمل در دست ما است، گلوله‌هایمان را در جایی که مجبور نیستیم، خرج نمی‌کنیم. وانگهی مقدار زیادی از اسلحه را خودمان تامین می‌کنیم، عراقیها هم منبع خوبی برای ما هستند؛ چون عراقیها در سرتاسر مرزشان آسیب پذیرند، هر جا احساس کردیم که احتیاج به اسلحه داریم، با یک هجوم مقصداری را بدست می‌آوریم؛ همانطور که در عملیات محرم، وسائل جنگی، مهمات و وسائل مهندسی زیادی بدست آوردیم.

۴- منابع فروش اسلحه در دنیا بیشتر به روی ما باز شده است و امکانات مهمات‌سازی ما هم قوی شده، و خلاصه اسلحه خیلی ارزان‌تر از سابق بدست ما میرسد و دفاع از مرزها، مثل گذشته خرج نمی‌برد.

۵- عده زیادی از آوارگان به اماکن خودشان برگشته‌اند، بازسازی مناطق آسیب دیده آغاز شده و مردم در این زمینه شور و شوق بی‌سابقه‌ای نشان می‌دهند، هر گاه انسان گزارشات مربوط به نقاط مخروبه

جنگی را می‌خواند، خیلی خوشحال میشود خصوصا وقتی که می‌بیند مردم بازسازی را تقبل کرده‌اند، مقدمات کار فراهم شده و مشغول شده‌اند و از طرفی، برای نیروهای آواره نیز کار پیدا شده و از حالت بطالتی که ممکن بود در اردوگاه‌ها داشته باشند نجات پیدا کرده‌اند. جهاد سازندگی هم در اطراف مناطق امکانات زندگی را به نحو احسن فراهم می‌کند. راه‌های جدید، مزرعه‌های جدید و منابع تولید جدید و امکاناتی که الان در هر شهری برای بازسازی درست می‌شود، برای ادامه سازندگی آن منطقه هم سرمایه خوبی خواهد بود.

و بطور کلی این بازسازی و شور و شوقی که در پشت جبهه دیده می‌شود، برای ما بسیار خوب است زیرا خرابیهایمان ترمیم می‌شود و کشور ساخته می‌شود. این بازسازی هم اشتغال‌زا و هم شورانگیز است و هم امیددهنده، و ضمنا نیروهای انسانی بسیاری - که معطل بودند - به کار گرفته می‌شوند.

### وضع اقتصادی عراق

در هر صورت، فکر می‌کنیم وضع اقتصادی ما - از لحاظ جنگی - به مراتب بهتر از عراق باشد. زیرا همه چیز عراق منگی به خارج است، آن هم به بنادر دیگران؛ یعنی تمام امکاناتش را باید از کویست، بحرین، قطر، دبی، سعودی، اردن و کشورهای دیگر تامین کند. منابع ارزی دشمن هم به آخر رسیده، میخواهد با فشار از کشورهای دیگر وام بگیرد، آنها هم به آن خاطر جمعی که اول بار وام داده بودند معلوم نیست الان وام بدهند برای اینکه امروز فهمیدند اینجا حساب درکار است و ما هم خصومت‌های آنها را بی‌جواب نخواهیم گذاشت. در عین حال، ممکن است فشار آمریکا و ارتجاع آنقدر زیاد شود که باز هم عراق را تغذیه کنند.

فتاری که سوریه دارند روی عراق می‌آورند - از طریق مرزهای غرب عراق -

بسیار خوب است. در این نقطه دشواریهایی در راه و بنادر و لوله نفتی که از آنجا عبور می‌دادند، برای عراق ایجاد شده است. جاهای نفتی‌ای که ما اخیرا گرفته‌ایم، عراق را به مقدار زیادی تغذیه می‌کردند و الان این منبع اقتصادی آنها هم بسته شده است.

وقتی که منطقه‌ای به مساحت ۷۰۰-۸۰۰ کیلومتر و به عرض ۲۰-۳۰ کیلومتر ناسمن باشد - با اینکه قسمت زیادی از این منطقه سکونی است - دشواری اقتصادی زیادی برای عراق ایجاد می‌شود، نظیر همان دشواریهایی که ما در اوائل جنگ داشتیم و اینک به عراق منتقل شده است.

### تاکید مجدد بر لزوم تبلیغات

در کوتاه سخن، می‌توانیم بگوئیم، جنگ به جایی رسیده که ما باید از دست بالا و با قدرت حرف بزنیم و شور جهاد را باید حفظ کنیم. گوینده‌ها، نویسندگان، وزارت خارجه و وزارت ارشاد ما باید مسئله تبلیغات را حل کنند زیرا ما در موضعی هستیم که نمی‌توانیم شعار صلح بدهیم بلکه باید شعار صلح معلق بدهیم، بعلاوه اینکه اصولا ما نمی‌توانیم هیچوقت صلح باصدام را بپذیریم یعنی حداکثر در صورتی که حقوقمان را بپردازند، می‌توانیم متارکه را قبول کنیم. و متارکه با دادن حقوق به معنای سقوط صدام است و او هم که بنا بر اساسی زیر بار نخواهد رفت و ما هم به کمتر از آن نمی‌توانیم قانع باشیم. کنار مهم و مشکل ما اداره تبلیغات جنگ است که در دنیا، ذی‌حق شناخته شویم و همینطور که مظلوم هستیم، معرفی شویم، که البته روی این جهت هم مقداری تلاش شده و به خواست خدا حق جای خود را در جامعه باز خواهد کرد.

۱- البته این مسائل در شورای عالی -

دفاع بحث شد و در آنجا تصمیماتش گرفته شد.